

The Semantics of "Will" in the Qur'an¹

Mostafa Nazarzadeh²

Mohsen Alviri³

Abstract

The quiddity of Divine Will (irāda) has always preoccupied the minds of Muslim thinkers and there have been various theological and philosophical discussions about it. This article aims to understand the meaning of the word "Will" which is attributed to God in the Qur'an. This research is intended to obtain a more precise meaning of this concept by a semantic examination of the derivative meanings of this term in the Qur'an. The results show that the semantic contents of "Will" include: wanting, action and movement, passing of time, decreeing what should be, possibility, volition and choice, repetition and persistence, and designation to action. Examining the functions of "Divine Will" in the Qur'an shows that the Divine Will means "provision of the preliminaries" for an event to occur, and this process functions through means and causes, rather than in a sudden and immediate way.

Keywords: Divine Will, human will, semantics, Qur'an.

1. Adopted from a Master's thesis titled "The Impact of Divine Will as a Driving Force of History Based on the Semantics of the Term 'Will' in the Qur'an."

2. Ph.D. Student of Islamic History, Baqir al-Ulum University, Qum, Iran. (Corresponding author) nazarzadeh@gmail.com

3. Professor, Baqir al-Ulum University, Qum, Iran. alviri@bou.ac.ir

معناشناسی «اراده» در قرآن*

مصطفی نظرزاده^۱

محسن الویری^۲

چکیده

چیستی اراده الهی همواره ذهن متفکران مسلمان را به خود مشغول داشته و درباره آن مباحث کلامی و فلسفی مختلفی درگرفته است. هدف از این مقاله، درک منظور از لفظ «اراده» است که در قرآن به خدا نسبت داده شده است. این تحقیق با بررسی معناشناسانه مشتقات این مصدر در قرآن، بر آن است که به معنایی دقیق‌تر از تصور معمول از این مفهوم دست یابد. نتایج نشان می‌دهد مؤلفه‌های معنایی اراده؛ عبارتند از: خواستن، اقدام و حرکت، گذر زمان، حکم به آنچه باید بشود، امکان، اختیار و انتخاب، تکرار و پیگیری، و اختصاص به فعل. بررسی کاربردهای اراده الهی در قرآن، نشان می‌دهد که اراده الهی به معنای «فراهم‌سازی مقدمات» برای وقوع یک امر است، و این فرایند از طریق اسباب و علل عمل می‌کند، نه به صورت ناگهانی و بی‌واسطه.

کلیدواژه‌ها: اراده الهی، اراده انسان، معناشناسی، قرآن.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷.

برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «چگونگی تاثیر اراده الهی به عنوان عامل محرک تاریخ براساس معناشناسی لفظ اراده در قرآن».

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2025.72288.4252

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

nazarzadeh@gmail.com (ORCID: 0000-0001-7010-1999)

۲. محسن الویری، استاد دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران، alviri@bou.ac.ir

مقدمه

اراده الهی در قرآن بارها به عنوان عامل اصلی وقایع ذکر شده است. درباره اراده الهی نظریات و تفسیرهای مختلفی از طرف عالمان مسلمان مطرح شده است. در آثار فلسفی و کلامی روند وقوع فعل از طرف فاعل به این صورت تصویر شده است: اگر علم به اینکه فعل دربرگیرنده خیر است در فاعل شکل گیرد، برای او شوقی به انجام فعل ایجاد می شود که در نتیجه، اراده در فاعل به وجود می آید و به واسطه این اراده، حرکت فاعل به سوی انجام فعل شروع می شود، که در نهایت منجر به وقوع فعل می گردد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۵۸/۲-۲۵۹).

اراده در انسان به صورت حالتی نفسانی در نظر گرفته شده است. در نتیجه، مسئله ای که ذهن عالمان مسلمان را به خود مشغول کرده، آن است که اراده را چگونه می توان به خدا نسبت داد؟ زیرا اگر بخواهیم اراده را به همین معنا به خدا نسبت دهیم مستلزم تغییر و انفعال در ذات الهی است. تفاوت اراده با «شوق»، آن است که شوق را می توان از خدا نفی کرد؛ اما در مورد اراده نمی توان چنین کرد، زیرا در قرآن و روایات صراحتاً اراده به خدا نسبت داده شده است.

برای حل مشکل پیش گفته، اراده الهی به شکل های مختلف تأویل شده است. برخی آن را به معنای ابتهاج و رضا نسبت به افعال دانسته اند (غروی اصفهانی، ۱۴۰۹ق: ۷/۲) و برخی دیگر آن را به معنای خود فعل می دانند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۳) دیگران آن را به معنای «علم به نظام احسن» گرفته اند (حلی، ۱۴۱۳ق: ۱/۲۵۲) ابن سینا نیز اراده الهی را هم از لحاظ ذات و هم از جهت مفهوم با علم الهی یکسان می داند. (ابن سینا، ۱۳۶۴: ۶۰۱)

ملاصدرا همه موارد (علم، اراده، شوق، و میل) را معنای واحدی می داند که در عالم های مختلف ظهور می کند. مثلاً محبت اگر در عالم عقل ظهور کند همان حکم است به نفع داشتن فعل، و اگر در عالم نفس ظهور کند همان شوق خواهد بود، و همین در عالم طبیعت مطابق با میل است. از نظر ملاصدرا تفکیک این امور در انسان منافاتی با وحدت آن در خدا ندارد. (ملاصدرا، بی تا: ۳۴۲/۶-۳۴۳)

در نقد این نظریات می توان گفت، در اینکه این صفات با ذات متحد هستند تردیدی نیست؛ اما صفات الهی جهت های مختلف و خصوصیت های متفاوت را نشان می دهند. این مهم در



این نظریات در نظر گرفته نشده است و برخلاف آنچه ابن سینا گفته است، اراده الهی نمی تواند در مفهوم هم با علم الهی یکی باشد.

علامه طباطبایی اراده را به معنای اختیار می داند و یعنی خدا در افعال خود مجبور نیست. در این نظر، اراده از فعل الهی انتزاع می شود (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۵۸-۲۶۰). آیت الله سبحانی نیز نسبت دادن اراده به خدا را با حذف جهات نقصی و امکانی از این طریق ممکن می داند که خدا را فاعل دارای اختیار بدانیم (سبحانی، ۱۴۲۸ق: ۱/۱۱۵-۱۰۱۶). اشکال این قول آن است که اختیار غیر از اراده است. اختیار در مقابل اکراه عبارت است از آنکه فاعل در فعلش با اجباری از بیرون مواجه نباشد. در نتیجه ممکن است که فردی با اجبار مواجه باشد؛ اما عمل را به اراده خود انجام دهد. علاوه بر آنکه «اختیار بین دو یا چند امر صورت می گیرد؛ اما در اراده ممکن است چیز دیگر در ذهن نباشد» (عسکری، بی تا: ۱۱۸).

چنان که دیده شد درباره معنای اراده الهی تشتت زیادی میان آرای فلاسفه و متکلمان دیده می شود. اما به نظر می رسد این نکته مغفول مانده است که برای کشف معنای اراده، به قرآن به عنوان اصلی ترین منبع دینی، مراجعه شود. از این رو هدف این پژوهش، کشف معنای اراده الهی و ارائه تفسیر صحیح از آن با استفاده از روش معناشناسی کلمات قرآنی است.

دقت در معنای کلمات قرآنی سابقه ای به درازای نزول قرآن دارد و این امر همواره مورد توجه علمای مسلمان بوده است. اما تأثیرگذارترین مواجهه جهان اسلام با معناشناسی به عنوان علمی نوین، روشمند و مستقل، با اثر «خدا و انسان در قرآن» اثر خاورشناس ژاپنی توشیهیکو ایزوتسو رخ داد. اثر دیگر او در این زمینه «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن» نام دارد، که با وجود تقدم زمانی در درجه دوم اهمیت و توجه قرار گرفته است. بسیاری از قرآن پژوهان در دهه های گذشته کمابیش در کشف معنای واژگان قرآنی تحت تأثیر روش او بوده اند.

پس از جلب توجه جامعه علمی ایران به معناشناسی کلمات قرآن، آثار و پایان نامه های متعددی در این زمینه نگاشته شده است که هر کدام در حد خود تلاش کرده اند گوشه ای از گنجینه قرآن را کشف کنند؛ اما هیچ یک از این آثار به موضوع معناشناسی «اراده» در قرآن نپرداخته اند. معناشناسی (semantics) بخشی از دانش زبان شناسی است. نظریات مختلف معناشناسی

هرکدام با مبانی و روش خود به بررسی معنا می‌پردازند. معناشناسی به این صورت تعریف شده است: «تحقیق و مطالعه تحلیلی در مورد کلمات کلیدی زبان به منظور آن که جهان‌بینی قومی شناخته شود» (ایزوتسو، ۱۳۶۸: ۴).

از منظر معناشناسی واژگان یک زبان، ساختی چندلایه است که هرکدام توسط گروهی از کلمات کلیدی ساخته شده‌اند که «میدان‌های معناشناسی» نامیده می‌شوند (همان، ۲۷). برای تشکیل یک میدان معناشناسی باید کلمات کلیدی آن را شناسایی و بررسی کنیم. در این مقاله، کلمه کلیدی عبارت است از «اراده» و بویژه آنجا که در مورد خدا به‌کاررفته باشد.

از منظر معناشناسی، کلمات و تصورهایی که می‌سازند تنها و در خلأ نیستند؛ بلکه در کنار کلمات و تصورات دیگر مفهوم پیدا می‌کنند؛ باین حال اگر هرکلمه را جداگانه در نظر بگیریم، از آن معنایی دریافت می‌کنیم که آن را «معنای اساسی» می‌نامیم. هر کلمه وقتی در کنار کلمات دیگر قرار می‌گیرد معنای متفاوتی پیدا می‌کند که «معنای نسبی» نامیده می‌شود (همان، ۱۵).

در زبان‌شناسی دو نوع مطالعه وجود دارد: همزمانی (synchronic) و در زمانی (diachronic). از نظر نگارنده، لفظ اراده، برخلاف الفاظی مانند «صلاة، زکاة، جنة، نار»، از معنای ابتدایی و «اساسی» خود فاصله نگرفته و در زبان قرآن دچار تحول معنایی نشده است. در نتیجه، کاربرد این لفظ در زبان قرآن را نیز ثابت می‌دانیم. پس هدف از این بررسی، معناشناسی همزمانی لفظ اراده در قرآن است؛ به‌خصوص جایی که در مورد الله به‌کاررفته باشد.

پیش‌فرض این نوشتار، آن است که «اراده» خدا دارای مفهومی غیر از افعال او است. در غیر این صورت، تمرکز روی اراده الهی معنایی نداشت و باید به معناشناسی تمام افعال الهی می‌پرداختیم؛ و چنانکه خواهد آمد، نشان خواهیم داد که اراده الهی از نظر مفهومی با سایر افعال الهی تفاوت دارد.

کلمه اراده از ریشه ثلاثی «ر و د» مشتق شده است. برای احصای آیات دارای این ماده از نرم‌افزار استفاده شده و همه آیات دارای این ریشه فهرست شده‌اند. از این میان آیاتی که حاوی مصدر اراده یا شکل فعلی آن «أراد یرید» بوده‌اند مورد توجه قرار گرفته‌اند. اما فعل مصدر «مراودة»؛ و اسم فعل «رویدا» به دلیل عدم ارتباط با موضوع کنار گذاشته شد.

۱. واژه‌شناسی اراده

برای دستیابی به دستگاه تصویری قرآن باید آن را بدون پیش‌داوری بخوانیم و ذهن را از تمام تلاشی که برای تفسیر قرآن شده است، خالی سازیم. اگرچه این غیرممکن به نظر می‌رسد، اما باید حداکثر تلاش خود را در این راه به کار بست تا قرآن را همان‌طور که معاصران پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان نزول قرآن می‌فهمیده‌اند دریابیم (همان، ص ۹۰). در نتیجه ممکن است در یک تلاش معناشناسانه، بررسی معنای کلمه در لغت‌نامه‌ها امری عبث یا حتی بدتر، مخل معناشناسی به نظر آید. اما این کار هرچند ممکن است باعث جهت‌گیری ذهن شود؛ اما در مقابل، حداقل برای کشف «معنای اساسی» کلمه می‌تواند مفید باشد.

در این بخش ماده «ر و د» در لغت‌نامه‌های تحلیلی، لغت‌نامه‌ها، و کتب فروع اللغة پی‌جویی می‌شود. منظور از لغت‌نامه‌های تحلیلی، کتب لغتی است که به تحلیل و بررسی معنای ریشه‌های کلمات پرداخته‌اند.

۱-۱. ماده «ر و د» در لغت‌نامه‌های تحلیلی

ابن فارس در معجم مقاییس اللغة اصل معنای ماده «ر و د» را آمدن و رفتن از روان شدن در مسیری خاص دانسته است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۲/۴۵۷).

راغب اصفهانی در مفردات الفاظ القرآن معنای ماده را «تکرار در خواستن چیزی با مدارا» ذکر کرده است. یعنی از نظر او مؤلفه‌های معنایی ماده «ر و د» عبارت‌اند از «تکرار»، «خواستن»، و «مدارا». راغب اراده را «تلاش در طلب چیزی» دانسته است. گاهی اراده به معنای کشیده شدن نفس به چیزی است و گاه به معنای قضاوت در مورد عملی است. اراده اگر در مورد خدا به کار رود به معنای دوم است؛ زیرا تغییر در نفس خدا راه ندارد. یعنی وقتی گفته می‌شود خدا چیزی را اراده کرد، معنای آن این است که نسبت به آن حکم کرد که باید بشود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۷۱).

مصطفوی در کتاب التحقيق فی کلمات القرآن الکریم ماده اراده را به معنای «خواستن به همراه اختیار و انتخاب» دانسته است. یعنی مؤلفه‌های معنایی اراده را «خواستن» و «انتخاب»



ذکر کرده است؛ و سایر معانی این ماده را از لوازم این معنای اصلی می‌داند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۷۰/۴-۲۷۱).

۱-۲. گسترش‌های معنایی ماده «ر و د»

در این بخش با مراجعه به لغت‌نامه‌ها تلاش می‌شود روند تغییر و گسترش معنای ماده «ر و د» را با توجه به کاربردهایی که در لغت‌نامه‌ها ضبط شده‌اند بررسی شود.

در بعضی لغت‌نامه‌های متقدم گاهی معنای اراده آن چنان بدیهی فرض شده است که آن را بی‌نیاز از تعریف دیده‌اند. مثلاً با آنکه اراده احتمالاً باید ذیل ریشه‌های «ر ی د»، «ر و د»، «ر و د» و «ر و د» تعریف شده باشد، در کتاب‌های الجیم (شیبانی، ۱۹۷۵م: ۳۷/۲ و ۴/۲) و جمهرة اللغة (ابن‌درید، ۱۹۸۸م: ۶۴۱/۲ و ۶۴۲ و ۱۰۹۷/۲) ذیل آنها کلمه اراده تعریف نشده است؛ در حالی که فعل «أراد» و اسم مفعول «مُراد» در تعریف کلمات دیگر به معنای «منظور از لفظ» آمده‌اند.

به جستجو و بررسی برای یافتن بهترین مرتع و منزل «ریاد» و «ارتیاد» گفته می‌شود و اسم فاعل آن «رائد» است (فراهیدی، بی‌تا: ۶۴/۸).

خصوصیت رائد - جستجوکننده برای مرتع - حرکت مستمر و زیاد برای یافتن محل مناسب است. این خصوصیات باعث یک گسترش معنایی شده است: فعل «رَادَ یَرُودُ» با مصدر «رَوَد»، رَوَدان، رِیاد» برای کسی که در رفت‌وآمد باشد و استقرار نداشته باشد به کار می‌رود (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۱۱۵/۱۴-۱۱۶، صاحب، ۱۴۱۴ق: ۳۴۸/۹، جوهری، ۱۳۷۶ق: ۴۷۸/۲، صاحب، ۱۴۱۴ق: ۳۴۸/۹) احتمال دارد معنای رفت‌وآمد که مصدر آن «رَوَدان» است، از قلب مصدر «دَوَران» حاصل شده باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۷۱/۴).

گسترش معنایی دیگر رائد، بی‌خانمانی و بی‌مکانی است: رائد به کسی گفته می‌شود که منزلی ندارد (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۱۱۳/۱۴).

چون جستجو و بررسی با تأمل صورت می‌گیرد و زمان‌بر است، باعث گسترش معنایی دیگر این ماده شده که عبارت است از ملایمت و آرامی با مصدر «إرواد». (فراهیدی، بی‌تا:

۶۵/۸) همچنین «زُؤید» به صورت اسم فعل به معنای «مهلت دادن» و به صورت صفت به معنای «آرامی» به کار می رود. «روید» برای تهدید نیز به کار می رود، (یعقوب، ۱۳۶۷ق: ۳۸۷) یعنی در پایان مهلت، امر نامطلوبی برای مخاطب خواهد افتاد؛ در قرآن نیز همین معنا به کار رفته است (الطارق: ۱۷).

مهم ترین گسترش معنایی این ماده خواستن است که در مصدر «اراده»، و «مُرَاوَدَة» به معنای خواستن از دیگری (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۱۱۵/۱۴) به کار می رود. کاربرد کلمه «مُرَاد» به معنای منظور از لفظ در ادامه همین گسترش معنایی است. طبق آنچه گذشت معنای اصلی این ماده، عمل «جستجو برای یافتن مکان» است و سایر معانی این ماده از این معنا گرفته شده اند.

۱-۲-۱. قاعده تشخیص روند گسترش معنایی

دلیل انتخاب معنای اصلی یادشده و اینکه معانی دیگر را از آن متفرع کردیم این است که:

- گسترش معنایی از افعال محسوس به امور انتزاعی محتمل تر است نسبت به عکس آن. در نتیجه در ماده «ر و د» این که اصل معنا امر محسوس و خارجی «جستجو برای یافتن منزل» باشد - امری که برای بادیه نشینان از اهمیت حیاتی برخوردار بوده است - و از آنجا به معنای انتزاعی تر و ذهنی تر منتقل شده باشد محتمل تر است.
- گسترش معنایی از افعال به اسماء محتمل تر است تا برعکس. زیرا

○ کاربرد افعال از اسامی بیشتر است؛

○ در نام گذاری اشیا حداقل مناسبت کافی است. علاوه بر آن که بسیار رخ

داده است که نام یک شیء از فرهنگ های دیگر به عربی وارد شده و معرب

می گردد، اما از نظر معنایی ربطی به آن ریشه ندارد. گرچه جای انکار نیست

که گاهی افعال از روی اسامی ساخته می شوند.

قرینه دیگر اینکه در اکثر لغت نامه ها اولین معنای این ریشه را «جستجو در پی منزل» آورده اند.

جمع بندی گسترش های معنایی این ماده در نمودار ذیل قابل مشاهده است.

۱-۲-۲. تفاوت کلمه «اراده» با کلمات نزدیک

در این بخش با مراجعه به منابع فوق‌الذکر به تفاوت اراده با کلمات و مفاهیم نزدیک به آن می‌پردازیم، و هدف این است که بتوانیم مؤلفه‌های معنایی اراده را در مقایسه با کلمات دیگر دریابیم.

تفاوت با محبت

محبت نسبت به افراد به‌کار می‌رود اما نسبت به کسی اراده داشتن معنا ندارد (عسکری، بی‌تا: ۱۱۴) پس اگر اراده در مورد اشخاص یا اشیا به‌کار رود در واقع فعلی در تقدیر است. تفاوت دیگر، آن است که در محبت و رضا الزاماً مطلوبیت هست برخلاف اراده که ممکن است به امر نامطلوب نیز تعلق گیرد (جزائری، ۱۴۰۷ق: ۲۲).

تفاوت با شهوت

شهوت به معنای گرایش درونی غریزی است بدون آن که الزاماً به مرحله اقدام برسد، اما اراده از جنس اقدام و حرکت است، حتی اگر از سر اجبار باشد. (عسکری، بی‌تا: ۱۱۵) علاوه بر آن، شهوت به چیزی است که برای انسان لذت دارد؛ اما اراده ممکن است از سر عقل و حکمت باشد (جزائری، ۱۴۰۷ق: ۴۳).

تفاوت با تمنی

اراده بر خلاف تمنی تنها مربوط به آینده است و اراده تنها به اموری که انجامش برای فرد ممکن است تعلق می‌گیرد، برخلاف تمنی که در مورد محالات نیز به‌کار می‌رود. (عسکری، بی‌تا: ۱۱۶).

تفاوت با مشیت

مشیت تنها در مورد اموری است که زمانشان رسیده است؛ اما اراده هم در اموری است که بلافاصله واقع می‌شوند و هم اموری که زمانشان به تأخیر می‌افتد. (عسکری، بی‌تا: ۱۱۷) یعنی در اراده معنای فاصله با تحقق فعل وجود دارد.

در مشیت ممکن است فرد از انجام عمل منصرف شود؛ اما اراده در مورد فعلی به‌کار می‌رود که قطعاً انجام می‌شود. (جزائری، ۱۴۰۷ق: ۲۰) در بخش «جانشین‌های اراده الهی» درباره



مشیت الهی بیشتر سخن خواهیم گفت.

تفاوت با اختیار

«اختیار عبارت است از اراده چیزی به جای دیگری به طوری که هر دو یا چند مورد در ذهن باشند؛ اما اراده ممکن است بدون حضور چیز دیگر در ذهن باشد» (عسکری، بی تا: ۱۱۸).

تفاوت با هم

تفاوت هم و اراده در این است که هم آخرین مرحله پیش از انجام فعل است. (همان، ۱۲۰) پس بین اراده و انجام فعل فاصله بیشتری نسبت به هم وجود دارد.

تفاوت با قصد

در تفاوت میان قصد و اراده نیز همین تفاوت زمانی وجود دارد. در اراده می تواند فاصله تا فعل وجود داشته باشد. (همان)

۱-۳. جمع بندی مؤلفه های معنایی اراده

معنای اراده ممکن است در بادی امر، بدیهی و غیرقابل تعریف به نظر رسد. با این حال، با توجه به آنچه گذشت می توان مؤلفه های معنایی کلمه «اراده» را به ترتیب زیر شناسایی کرد:

خواستن: اصلی ترین و روشن ترین مؤلفه معنایی کلمه «اراده» خواستن است.

اقدام و حرکت: اراده با اقدام و حرکت همراه است؛ هر چند با اجبار و اکراه همراه باشد. از معنای این باب که مؤید این مؤلفه هستند عبارت اند از تلاش، رفت و آمد، روان شدن در مسیر، جستجو، یافتن. تفاوت اراده با شهوت نیز در همین رسیدن به مرحله اقدام است.

گذر زمان: میان اراده و وقوع فعل فاصله است. تا جایی که مدارا و زمان بر بودن یکی از معانی ماده «ر و د» است. اراده در مورد گذشته به کار نمی رود بلکه مربوط به آینده است. علاوه بر آن، معمولاً برای اموری که بدون فاصله اتفاق می افتند از کلمات دیگر مانند مشیت، هم، و قصد استفاده می شود، در نتیجه لفظ اراده جایی به کار می رود که میان اراده و وقوع فعل زمان قابل توجهی فاصله است.

حکم به آنچه باید بشود: قضاوت در مورد اینکه باید عمل مورد نظر صورت گیرد نیز از



مؤلفه‌های معنایی این کلمه است.

امکان: اراده تنها به امور ممکن برای فرد تعلق می‌گیرد.

اختیار و انتخاب: اراده در بستری از اختیار و انتخاب مرید رخ می‌دهد.

تکرار و پیگیری: تکرار و پیگیری از مؤلفه‌های معنایی این ماده است که در کاربردهای مختلف این ماده منعکس شده است.

اختصاص به فعل: اراده به افعال تعلق می‌گیرد و کاربرد آن در مورد اشیا و اشخاص مجازی است.

۲. اراده در قرآن

مشتقات ریشه «ر و د» ۱۴۸ بار در ۱۲۰ آیه قرآن به‌کار رفته‌اند. این آیات در ۴۷ سوره قرآن پراکنده هستند. از این میان مشتقات مصدر «مراودة» ۷ بار به‌کار رفته‌اند و کلمه «رُويدًا» یک‌بار آمده است که به بحث ما ارتباطی ندارند. بقیه موارد مشتقات مصدر «إرادة» هستند.

۲-۱. مؤلفه‌ها در بافت قرآنی غیردینی

کاربرد اراده در قرآن به دو دسته بافت دینی و بافت غیردینی قابل تقسیم است. منظور از بافت دینی، جایی است که اراده در مورد خدا به‌کاررفته باشد؛ در مقابل، بافت غیردینی جایی است که اراده در مورد انسان و در امور روزمره و عادی به‌کاررفته است. فایده بررسی کاربرد اراده در بافت غیردینی آن است که از این طریق می‌توان به جنبه‌های مادی معنای آن دست یافت (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۳) ابتدا به بررسی اراده در بافت غیردینی می‌پردازیم؛ پس از آن به بررسی کاربردهای اراده جایی که برای خدا به‌کاررفته است، می‌پردازیم.

۲-۱-۱. آمادگی تحقق

در یک‌جا قرآن اراده را به شیء نسبت داده شده است: ﴿فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْتَقِصَ...﴾ (کهف: ۷۷).

این سیده معتقد است در مورد اشياء اراده به‌صورت حقیقی به‌کار نمی‌رود؛ بلکه «آمادگی»

دیوار برای سقوط مانند آمادگی صاحبان اراده به نظر می‌آید. او در ادامه مثال‌هایی از نسبت‌دادن اراده به اشیاء ذکر کرده است. (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق: ۴۲۲/۹) البته ممکن است گفته شود که در اینجا اراده به معنای حقیقی به‌کاررفته است و در بیان قرآنی حقیقتاً اشیاء دارای اراده هستند.

۲-۱-۲. آماده‌سازی علل و مقدمات تحقق اراده

گاهی معنای دقیق واژه به‌صورت عینی از روی بافت متن و از طریق توصیف لفظی روشن می‌شود. نام این حالت را «تعریف بافتی» یا «تعریف متنی» می‌توان گذاشت (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۷۴). این امر در آیه ۴۶ سوره توبه به‌روشنی به چشم می‌خورد: ﴿وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً...﴾ در این آیه «اراده بیرون‌رفتن» در گرو «آماده‌سازی سازو برگ» دانسته شده است. در این آیه، رابطه میان آماده‌سازی و اراده چنان متقابل و مستقیم است که کوچک‌ترین تردیدی باقی نمی‌ماند که «آماده‌سازی مقدمات» بخشی از معنای اراده است.

همین مؤلفه معنایی در آیات دیگر نیز به چشم می‌خورد و در بسیاری از موارد مقدمه تحقق اراده در آیه ذکر شده است. مثلاً در آیه ﴿... وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرِدْهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا...﴾ (بقره: ۲۲۸) «بازگرداندن زنان مطلقه» مقدمه تحقق «اصلاح» است.

در بررسی واژه‌شناسانه نیز این مؤلفه معنایی را در مؤلفه‌های اقدام و حرکت، تکرار و پیگیری و زمان مشاهده می‌شود. به بیان دیگر وقتی اراده صورت می‌گیرد برای تحقق آن نیاز به «اقدام و حرکت» و «تکرار و پیگیری» است؛ و این تنها با فراهم‌ساختن مقدمات و علل ممکن است، در نتیجه میان اراده و تحقق اراده، «زمان» فاصله می‌گردد.

۲-۱-۳. اختصاص به افعال

در بیشتر موارد پس از اراده یا مصدر صریح به‌کاررفته یا پس از آن با ترکیب «أن+فعل» یا «ال+فعل» به تأویل مصدر رفته و مؤید این نکته است که اراده، اختصاص به افعال دارد. اما گاهی اسم متعلق اراده قرار گرفته است. مثلاً در آیه ﴿... قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا...﴾ (یوسف: ۲۵) «سوء»ی که مورد اراده قرار گرفته در اثر فعلی حاصل می‌شود که به دلایل بلاغی در لفظ ذکر نشده است. در آیه ﴿... وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا...﴾ (آل‌عمران: ۱۴۵) «ثَوَابَ الدُّنْيَا»، «ثَوَابَ الْآخِرَةِ»، و در آیه ﴿... تُرِيدُونَ



عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ... ﴿انفال: ۶۷﴾ «عَرَضَ الدُّنْيَا» و «الْآخِرَةَ» متعلق اراده قرار گرفته‌اند، واضح است که فعلی به معنای «رسیدن» یا «دست یافتن» در تقدیر است.

«یسر» و «عسر» نیز دو اسمی هستند که در آیه ﴿... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ...﴾ (بقره: ۱۸۵) متعلق اراده قرار گرفته‌اند؛ اما در این آیه «لِيَجْعَلَ» در تقدیر است؛ چنانکه در آیه ﴿... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ...﴾ (مائده: ۶) «لِيَجْعَلَ» پیش از «حرج» ظاهر شده است.

۲-۲. مؤلفه‌ها در بافت قرآنی دینی

۲-۲-۱. همنشین‌های اراده الهی

در این بخش تلاش می‌شود ضمن بررسی کلمات و عبارات همنشین اراده الهی (مانند مفعول‌ها، و متعلق‌ها) به مؤلفه‌های معنایی اراده الهی اشاره شود. در ادامه به موارد پرکاربردتر می‌پردازیم.

فعل

در دو آیه ۲۵۳ سوره بقره و ۱۴ سوره حج ﴿يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ و در دو آیه ۱۰۷ سوره هود و ۱۶ سوره بروج ﴿فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ﴾ آمده است.

در تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره دلیل جنگ را اختلاف در ایمان و کفر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲/۳۱۹).

آیه ۱۴ سوره حج پس از بیان حال کفار، فرموده که «خدا کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند را وارد باغ‌ها می‌کند» و ادامه می‌دهد: «خدا هر چه اراده کند انجام می‌دهد»؛ یعنی این عمل را برخلاف میل کفار و کسانی که در آیات قبل ذکر شده است انجام می‌دهد. آیه بعد قرینه این دلالت است، که در آن کسانی که از عمل خدا خشمگین هستند را به خودکشی دعوت می‌کند.

در هر دو آیه، عبارت «يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ» نشان‌دهنده این است که خدا علی‌رغم میل دیگران -در سوره حج: کفار، در سوره بقره: کسانی که فکر می‌کنند خدا باید اختلاف میان انسان‌ها را از

بین ببرد- آنچه خود بخواهد انجام می دهد. اما این خواستن بی دلیل نیست؛ بلکه ناشی از دلیل خاص خود است: در سوره بقره: طبیعت اختلاف جوی انسان و در سوره حج: ایمان و عمل صالح.

عبارت «فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ» نیز در فضای عذاب کافران و نعمت مؤمنان به کار رفته است. در آیه ۱۰۷ سوره هود پس از بیان عاقبت تیره بختان و جاودانگی آنان در آتش «فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ» را به کار برده و در آیه بعد، به عاقبت نیک بختان می پردازد. در آیه ۱۶ سوره بروج پس از بیان عاقبت کسانی که مؤمنان را شکنجه کرده اند و عاقبت مؤمنانی که عمل صالح انجام داده اند؛ «فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ» را به عنوان یکی از صفات الهی ذکر کرده است.

پس «اراده» وقتی با «فعل» جمع می شود، مفهوم آزادی عمل خدا را نشان می دهد، و در این آزادی عمل تقابل با میل یا تصور دیگران نیز دیده می شود. البته این آزادی عمل، خود نه بی دلیل و حکمت بلکه متوقف بر علل خود است.

كُنْ فَيَكُونُ

عبارت «كُنْ فَيَكُونُ» از عبارتهای بسیار مهم قرآنی است که در دو آیه پس از ذکر اراده الهی به کار رفته است؛ با توجه به اهمیت این عبارت لازم است آن را بیشتر بررسی کنیم. این عبارت در ۸ آیه قرآن تکرار شده است: بقره: ۱۱۷، آل عمران: ۴۷، آل عمران: ۵۹، انعام: ۷۳، نحل: ۴۰، مریم: ۳۵، یس: ۸۲، غافر: ۶۸.

برخی از مفسران این عبارت را به معنای خلق ناگهانی (به عنوان نمونه: طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۶۱/۱ و ۱۱۵/۱۷) و بدون اسباب (به عنوان نمونه: طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۹۷/۳) گرفته اند؛ اما به نظر می رسد این معنا از محتوای آیات بر نمی آید.

در آیه ۱۱۷ سوره بقره پیش از عبارت «کن فیکون» به خلقت آسمانها و زمین اشاره کرده است. به گواهی قرآن آسمانها و زمین در ۶ روز خلق شده اند: (بقره: ۱۱۷، حدید: ۴، سجده: ۴، یونس: ۳، هود: ۷، فرقان: ۵۹، اعراف: ۵۴)؛ اما خلقت در ۶ روز با ناگهانی بودن خلقت سازگار نیست. پس خلقت با اسباب و وسایط و در قالب قواعد علی و معلولی عالم ماده رخ داده است؛ زیرا اگر امکان خلقت بدون اسباب آسمانها و زمین وجود داشت، خلقت آن در چند روز دلیل

ولزومی نمی‌داشت.

آیات ۴۷ و ۵۹ سوره آل عمران در مورد تولد حضرت عیسی (علیه السلام) است. چنان‌که در قرآن آمده است خلقت ایشان ناگهانی و بی‌واسطه نبود؛ بلکه مریم (علیها السلام) به او باردار شد و او را مانند سایر کودکان به دنیا آورد (مریم: ۲۲-۲۳). لازم به ذکر است، اینکه چیزی سببی «غیرعادی» داشته باشد، به معنای «بی‌سبب» بودن نیست. در مورد عیسی (علیه السلام) نیز گرچه شروع حمل با سایر انسان‌ها متفاوت بوده است؛ اما به‌هرحال اصل حمل و تولد، نشان‌دهنده وجود علت، و عدم خلق ناگهانی است.

آیه ۷۳ سوره انعام نیز به خلقت آسمان‌ها و زمین اشاره کرده است که درباره آن گفته شد؛ اما ادامه آیه به برپایی قیامت پرداخته است که آن نیز ناگهانی و بدون علت و سبب نیست؛ یعنی وجود قرینه در خود آیه که «نفخ صور» را مقدمه برپایی قیامت می‌داند.

آیه ۶۸ سوره غافر پیش از عبارت «کن فیکون» خدا را عهده‌دار زنده کردن و میراندن دانسته است که به‌وضوح هر دو اموری تدریجی و بسته به علل خاص خود هستند. برای تأکید بیشتر در آیه پیشین به مراحل جنینی و مراحل زندگی انسان اشاره شده است.

سه آیه ۴۰ سوره نحل، ۳۵ سوره مریم، و ۸۲ سوره یس و آیات پیش و پس از آنان نیز از هرگونه قرینه‌ای بر خلقت ناگهانی و بی‌سبب تهی هستند، پس باید این آیات نیز در کنار آیات دیگر فهم شوند.

در مجموع به نظر می‌رسد محتوا و منظور از عبارت «کن فیکون» در بخش اول آن: «کُن» آسانی خلقت برای خدا، و در بخش دوم: «فیکون» تحقق قطعی اراده الهی است؛ نه آنکه ناظر بر بی‌زمانی و بی‌سبب بودن خلقت باشد.

هدایت تشریحی و تکوینی

در هر ۳ آیه، هدایت متعلق اراده است: نساء: ۲۶، انعام: ۱۲۵، و حج: ۱۶. طبق آیه ۲۶ سوره نساء، اراده الهی بر آن است که از طریق بیان احکام و دستور شریعت، مؤمنان را هدایت کند. در اینجا اراده تشریحی مورد نظر است. اما در دو آیه بعدی قدم فراتر گذاشته شده و هدایت و ضلالت انسان‌ها را به اراده تکوینی موكول کرده است.

گذر زمان: آیه پنجم سوره قصص

آیه پنجم از سوره قصص، در زمره آیات مشهور قرآن راجع به مفهوم فلسفه تاریخ است. طبق این آیه، اراده الهی بر آن تعلق گرفته است که بر مستضعفان در زمین منت نهد و آنان را پیشوایان و میراث‌برندگان قرار دهد. همه معتقدان قرآن، به تحقق این اراده، امید دارند.

در این آیه ﴿نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً﴾ و ﴿نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ عطف بر «نَمَنَّ» شده‌اند. پس علاوه بر «منت نهادن»، «پیشواقراردادن» و «وارث‌قراردادن» نیز متعلق اراده هستند.

چنان‌که در تحلیل واژه‌شناسی ماده «ر و د» گذشت، یکی از مؤلفه‌های معنایی این ماده، گذر زمان است که در این آیه به‌وضوح به چشم می‌خورد. اگر آیه را در مورد موسی (علیه السلام) و قومش بدانیم، واضح است که پیشوایی بنی اسرائیل و تمکشان در «الارض» پس از گذر سال‌ها محقق شده است. اما می‌توانیم این آیه را مطلق بگیریم و آن را قاعده‌ای کلی بدانیم که در داستان موسی (علیه السلام) به تناسب بیان شده است؛ زیرا در این آیه مسئله به‌صورت کلی و عمومی بیان شده است. علاوه بر آن، فعل مضارع «نرید» دلالت بر اراده مستمر دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۷۵/۴) در روایات نیز بر این که مصداق این آیه اهل بیت (علیهم السلام) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۷/۲۴، باب ۴۹: أنهم علیهم السلام المستضعفون الموعودون بالنصر من الله تعالی) و امام مهدی (علیه السلام) (طوسی، بی تا: ۱۲۹/۸) هستند اشاره شده است. در این صورت دلالت اراده بر گذر زمان و فاصله میان اراده و تحقق آن روشن‌تر است؛ زیرا این اراده تاکنون محقق نشده است.

آماده‌سازی مقدمات و زمینه‌ها: آیه شانزدهم سوره اسراء

آیه ۱۶ سوره اسراء، از آیاتی است که باعث ایجاد سؤالات و مباحث گوناگونی شده است. در این آیه به مراحل تحقق اراده الهی اشاره شده و برای آن چند مرحله ذکر کرده است. این آیه به‌وضوح نشان می‌دهد که اراده الهی بدون تحقق مقدمات و زمینه‌ها محقق نمی‌شود.

۲-۲-۲. جانشین‌های اراده الهی

گاهی دو کلمه در یک عبارت مشابه به‌صورت جایگزین یکدیگر به‌کار رفته‌اند. به این حالت موازنه ساختمان دستوری یا ترادف عبارت (parallelism) گفته می‌شود و می‌تواند وجود یک رابطه معنایی میان دو کلمه را - حداقل در محدوده آن عبارت - به ما نشان دهد (ایزوتسو، ۱۳۷۸:



قضاء

دو عبارت «إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا» و «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا» در آیاتی که ذیل بررسی عبارت قرآنی «کن فیکون» ذکر شد به صورت جایگزین یکدیگر به کار رفته‌اند. اما این دو کلمه مترادف یکدیگر نیستند؛ زیرا طبق روایات قضاء مرحله‌ای پس از اراده است (برقی، ۱۳۷۱: ۲۴۴/۱).

برخلاف دیگر کاربردهای قرآنی که اراده با افعال به کار رفته، اینجا اراده در مورد «شیء» به کار رفته است و می‌توان گفت در واقع منظور خلق شیء است؛ اما در مقابل، پس از قضاء «امر» آمده است که به معنای رخ دادن اتفاقی است. شاید بتوان گفت یک تفاوت اراده و قضاء آن است که اراده شامل خلقت هم می‌شود اما قضاء فقط برای رخدادها به کار می‌رود. تفاوت دیگری که میان کاربرد اراده و قضا دیده می‌شود، آن است که در قرآن نفی اراده دیده می‌شود (مثلاً: بقره: ۱۸۵، غافر: ۳۱، مانده: ۴)؛ اما نفی قضا در کار نیست.

مشیت

مشیت نیز در برخی عبارات مشابه با عبارات مربوط به اراده به کار رفته است. عبارت «إن شاء» مشابه «إن أراد» در آیات مائده: ۱۷ و احزاب: ۲۴ به کار رفته است. در این آیات، هلاکت و عذاب در گرو اراده و مشیت خدا است. در آیات حج: ۱۴ و حج: ۱۸ نیز «یشاء» عیناً به جای «یرید» به کار رفته و فعل خدا را وابسته به اراده و مشیت دانسته است. در آیات نحل: ۹۳، مدثر: ۳۱، حج: ۱۶، و انعام: ۲۵ هدایت و ضلالت وابسته به اراده و مشیت خداوند است.

در ۳ دسته آیات بالا، اراده و مشیت رابطه جایگزینی دارند. اما واضح است که این دو مفهوم مترادف نیستند؛ زیرا هر دو کلمه کاربردهای متفاوتی نیز دارند. براساس روایات مشیت مرحله‌ای پیش از اراده است (برقی، ۱۳۷۱: ۲۴۴/۱) در مورد مشیت نیز این تفاوت دیده می‌شود که در قرآن نفی اراده به کار رفته؛ اما نفی مشیت به کار نرفته است.

نتیجه‌گیری

۱. معنای اصلی ریشه «ر و د»، «جستجو در پی منزل» است و سایر معانی این ماده از جمله

- مصدر «اراده»، گسترش‌های معنایی همین معنای اصلی هستند.
۲. مؤلفه‌های معنایی که برای اراده شناسایی شد؛ عبارت است از: خواستن، اقدام و حرکت، گذر زمان، حکم به آنچه باید بشود، امکان، اختیار و انتخاب، تکرار و پیگیری، اختصاص به فعل.
۳. در معنای اراده، علاوه بر خواستن - که امری ذهنی است - اقدام و عمل نیز وجود دارد. به بیان دیگر تنها آن هنگام که خواستن به مرحله اقدام می‌رسد، می‌توان نام آن را «اراده» گذاشت. این مطلب هم در واژه‌شناسی معنای اراده و هم در کاربردهای قرآنی دیده می‌شود، بویژه آنجا که می‌فرماید: ﴿لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً﴾ (توبه: ۴۶) که اراده خروج را تنها در صورت آماده‌سازی مقدمات معتبر دانسته است و از آنجا که «قاعدین» مقدمات را فراهم نکرده‌اند، اراده نداشته‌اند.
۴. براساس معناشناسی اراده در قرآن، علاوه بر مؤلفه‌های معنایی پیشین معنای «آماده‌کردن مقدمات» نیز برای اراده بدست آمد. این معنا به نوعی جمع‌بندی مؤلفه‌های معنایی پیشین است که همه آنان را دربر دارد. این معنا در مورد انسان و خدا یکسان است. وقتی گفته می‌شود خدا یا انسان، امری را اراده کرد، یعنی مقدمات آن را فراهم آورد. البته فراهم‌سازی مقدمات نیز ناگهانی و بی‌سبب نیست و هر مقدمه‌ای به نوبه خود مقدماتی دارد که باید فراهم شوند. همچنان‌که هر انسان با مراجعه به افعال خود درمی‌یابد که چگونه هر هدفی مقدماتی دارد که هر کدام به نوبه خود دارای مقدماتی هستند که باید فراهم شوند تا آن هدف نهایی و اصلی محقق شود.
۵. از قرآن می‌توان دریافت که الله در اندیشه جاهلی شناخته شده بوده است؛ با این حال مشرکان با بهانه‌هایی مانند نزدیک شدن به خدا، (زمر: ۳) شفاعت نزد خدا، (یونس: ۱۸) و اعتقاد به تأثیر در روزی، (اعراف: ۱۹۰) شریکانی را برای خدا قرار داده بودند و برخی امور را در دست این شریکان می‌دانستند و از این رو بتان را شایسته عبادت می‌دانستند. یکی از محوری‌ترین پیام‌های قرآن، «نفی شرک» است و نفی آن که اراده‌ای جز اراده خدا در عالم تأثیر دارد، بخش اصلی این هدف است. به همین دلیل در قرآن همه چیز

به خدا نسبت داده می‌شود. از اتفاقات عادی و روزمره مانند تولد نوزاد، (نحل: ۷۸) و امکانات زندگی مانند سایه و پناهگاه در کوه‌ها، و پوشاک، (نحل: ۸۱) تا وقایع بزرگ و سرنوشت‌ساز و پیروزی در جنگ‌ها (حشر: ۲). عبارت پر تکرار «هُوَ الَّذِي...» همه‌جا به مؤمنان یادآوری می‌کند که همه امور به خدا برمی‌گردد: ﴿... وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ (آل‌عمران: ۱۰۹).

در همه آیاتی که ذکر شد - و آیات بسیار دیگر - بازگشت همه امور به اراده الهی به معنای نفی علیت و اسباب نیست. به این دلیل که حتی اموری که تماماً به اختیار و عمل انسان برمی‌گردند نیز به خدا نسبت داده شده‌اند؛ مانند لباس، که به‌وضوح حاصل عمل خود انسان است. در تفسیر این آیات باید گفت اولاً توانایی فکری و عملی که انسان با استفاده از آن برای خود لباس تأمین می‌کند از طرف خداست؛ و دوم اینکه ابزار و موارد موردنیاز برای لباس در اثر خلقت خدا در اختیار انسان قرار گرفته است؛ و هر دو این موارد در قالب علیت و اسباب رخ می‌دهند. آیات دیگر را نیز باید در پرتو همین نگاه تفسیر کرد: اراده الهی منافاتی با اسباب و علل ندارد؛ بلکه اراده الهی از طریق همین اسباب و علل محقق می‌شوند. و به این ترتیب تناقضی میان دخالت تام اراده الهی در جهان و اسباب و علل وجود ندارد.

۶. هر یک از افعال الهی را اگر مستقل در نظر بگیریم، مصداق یکی از صفات فعل خدا از قبیل رازق، مصوّر، قهّار، فتّاح است؛ اما همین فعل از جهت آنکه مقدمه‌ای برای فعل دیگری است، مصداق اراده الهی نسبت به آن فعل دیگر است.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن درید، محمد بن الحسن (۱۹۸۸م)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۴)، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، ویرایش محمد تقی دانش پزوه، تهران: دانشگاه تهران.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۵. أزهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۸)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸)، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، المحاسن، تحقق جلال‌الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامية.
۹. جزائری، محمد بن نعمة الله (۱۴۰۷ق)، فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات، تصحیح محمد رضوان دایة، دمشق: المستشاریة الثقافیة للجمهوریة الإسلامیة الإیرانیة.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تصحیح احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۱. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۱۴ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.



۱۳. سبحانی، جعفر (۱۴۲۸ق)، محاضرات فی الإلهیات، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۱۴. شبیبانی، اسحاق بن مرار (۱۹۷۵م)، کتاب الجیم، قاهره: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية.
۱۵. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸)، نهاية الحکمة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۱۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.
۲۰. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۲. عسکری، حسن بن عبدالله (بی تا)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
۲۳. غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۹ق)، بحوث فی الأصول، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأخیار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

٢٧. مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ق)، أوائل المقالات، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

٢٨. ملاصدرا، صدرالدين شيرازي (بي تا)، الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة، بيروت: دار احياء التراث العربي.

٢٩. يعقوب، إميل (١٣٦٧ق)، موسوعة الصرف والنحو والاعراب، بيروت: دار العلم للملايين.